



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22517758.2021.12.4.1.2>

شناسایی مهارت‌های تجربه شده و نقش دانش آموزان در برنامه درسی هنر پایه ششم ابتدایی از دیدگاه معلمان و دانش آموزان

فرشته فرهادزاده^۱، مرجان کیان^۲، غلامرضا حاجی حسین نژاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، شناسایی مهارت‌های تجربه شده و نقش دانش آموزان در برنامه درسی هنر پایه ششم ابتدایی از دیدگاه معلمان و دانش آموزان است. رویکرد پژوهش کیفی از نوع پدیدارشناسی است. جامعه پژوهش معلمان و دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی ناحیه ۳ و ۴ شهر کرج بودند. اطلاع‌رسان‌های پژوهش ۱۰ نفر از معلمان برنامه درسی هنر و ۱۰ نفر از دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی که به صورت هدفمند انتخاب شدند، بودند که با رعایت اصل اشباع نظری از طریق مصاحبه نیمه‌ساختارمند در پژوهش شرکت کردند. داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری تحلیل شدند و روایی و پایایی آنها از طریق ۴ معیار مقبولیت، قابلیت اعتماد، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری به دست آمد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سطح آگاهی مدیران و والدین نسبت به برنامه درسی هنر نیاز به بازنگری دارد تا فرهنگ سازی مناسبی نسبت به این حوزه یادگیری در میان معلمان و دانش‌آموزان پدید آید. امید که با افزایش آگاهی و کاربرد این حوزه در فعالیتهای روزمره زندگی دانش‌آموزان برنامه درسی هنر مورد توجه و عنایت دست اندرکاران نظام تعلیم و تربیت قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی هنر، مهارت‌های تجربه شده، معلمان، دانش آموزان.

۱- کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی و معلم fereshteh.farhadzadeh@yahoo.com

۲- دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی دانشگاه خوارزمی m.kian44@yahoo.com

۳- دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی دانشگاه خوارزمی hosseinnejad@khu.ac.ir

مقدمه

امروزه تعلیم و تربیت تحت دگرگونی و انقلابی گسترده قرار دارد و در این میان هنر نیازمند آن است که در مرکز ساختارهای جدید تعلیم و تربیت که در حال پدیدار شدن است واقع شود. یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای اصلاح واقعی نظام‌های آموزشی، یافتن جایگاهی مناسب برای هنر در برنامه درسی است، گویی که آموزش هنر باید به یک بخش اساسی از برنامه درسی مدارس تبدیل شود و هنر در کنار مهارت‌های اساسی سه گانه (خواندن، نوشتن و حساب کردن) که به رسمیت شناخته شده‌اند به‌عنوان چهارمین مهارت اساسی و پایه (4thR) در برنامه درسی به آن تأکید شود و درس هنر از این انزوایی که در طول تاریخ گریبانش را گرفته است رهایی یابد. در این میان یکی از اولین و مهم‌ترین مراکزی که درس هنر در آن می‌تواند رشد و تعالی پیدا کند مدرسه است و باید در مدارس، دانش‌آموزان را با هنر آشنا کرد و فرصت درگیر شدن ذهن دانش‌آموز با موضوعات هنری را فراهم نمود و مجال داد تا تجربه عمیق یادگیری که ناشی از غرق شدن در فرایند انجام دادن کار است شکل گیرد. (شرفی، ۱۳۸۸). گرچه آموزش هنر یکی از مهم‌ترین بخش‌های برنامه درسی مدارس امروز را تشکیل می‌دهد و به‌طور فزاینده‌ای نقش و جایگاه هنر در زندگی در حال بازشناسی است، اما هنر به‌عنوان موضوعی جانبی و در حاشیه در مدارس تلقی می‌شود. مشکل عمده در برنامه درسی هنر، عدم اجرای آن و بی‌توجهی به عوامل و عناصر برنامه درسی است (شرفی، سلسبیلی: ۱۳۸۹). ارزش و اهمیت درس هنر در کشورهای مختلف متفاوت است، ولی در کشور ما توجه چندانی به آن نمی‌شود و چون اکثر معلمان به دلایل مختلف مثل حجم زیاد کتاب‌های دیگر، نداشتن تخصص در حوزه هنری، ارزش قائل نشدن برای آن و نبود فرصت کافی، نبود محتوای مخصوص و عوامل دیگر باعث شده است که آموزش هنر در دوره ابتدایی را زیاد جدی تلقی نکنند (اسود و اسلامی، ۱۴۰۰). در همین راستا در نظام آموزشی ایران، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (۱۳۸۷) تصمیم گرفت با طراحی برنامه درسی جدیدی برای درس هنر به وضعیت نابسامان آموزش هنر در دوره ابتدایی سامان بخشد که حاصل فعالیت و بررسی‌های علمی و کارشناسی دیگری که در این گروه انجام شد؛ منجر به طراحی راهنمای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی شد (مهرمحمدی، ۱۳۹۰). اکنون

برنامه درسی جدید هنر دوره ابتدایی دارای دو کتاب راهنمای معلم برنامه درسی دوره اول ابتدایی (پایه‌های اول، دوم، سوم) و دوره دوم ابتدایی (پایه‌های چهارم، پنجم و ششم برای معلمان است) (آیت‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۱).

با وجود تغییر برنامه درسی هنر اما مسائل مربوط به اجرای برنامه درسی هنر بخصوص در دوره ابتدایی همچنان به قوت خود باقی است (شرفی، سلسبیلی: ۱۳۸۹). طباطبایی و همکاران (۱۳۹۵) موانع اجرای درس هنر از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی را نگرش منفی معلمان، کمبود معلم متخصص، عدم آشنایی معلمان با روش‌های مناسب تدریس، فقدان امکانات مناسب و ارزشیابی نامناسب از درس هنر، ناآگاهی مدیران مدارس از نقش درس هنر، بی‌توجهی برنامه‌ریزان و مسئولان، بی‌اطلاعی اولیای دانش‌آموزان از درس هنر بیان کردند. عدم اجرای کامل برنامه درسی هنر منجر به وجود ضعف در تجارب یادگیری دانش‌آموزان و یا به عبارتی برنامه درسی تجربه شده، می‌شود. برنامه‌درسی هنر تجربه شده تجربیات دانش‌آموزان از طرح‌های از پیش تنظیم‌شده و تعامل‌های حاصل از کلاس درس اشاره می‌کند. هر دانش‌آموز بر مبنای علائق، ارزش‌ها، توانمندی‌ها و تجارب قبلی خود نسبت به مطالب ارائه‌شده عکس‌العمل نشان می‌دهد و دست به انتخاب می‌زند و به این ترتیب برنامه‌ای منحصر به‌فرد و شخصی برای هر یک از آن‌ها شکل می‌گیرد که از آن تحت عنوان برنامه درسی تجربه شده نام برده می‌شود. (فتحی‌واجارگاه، ۱۳۸۸: ۴۵).

تجربه یادگیری هنر در کودک قابلیت‌هایی را ایجاد می‌کند که بر روابط او با دیگران، همکلاسی‌ها، معلمان و خانواده تأثیر می‌گذارد. کودکان در حین مشارکت در تجربه یادگیری هنر می‌آموزند که به دیدگاه‌های مختلف احترام بگذارند و نظرات دیگران را در نظر بگیرند (دیزی^۱، ۲۰۰۲). گیبی^۲ (۲۰۰۴) در تصریح پیامدهایی که تربیت هنری با خود به همراه می‌آورد بیان می‌کند که تربیت هنری در حیطه‌های مختلف مؤثر است و آثار ناشی از اثر هنری را در سه حوزه ارزش‌های اخلاق، پرورش ذهنی و مهارت‌های کاری و تقویت روحی و جسمی افراد مورد توجه قرار می‌دهد. مختصات برنامه درسی هنر باید بر پایه مفاهیم زیبایی‌شناختی، نقد، تاریخ، فرهنگ، دانش و

¹ Deasy

² Gee

مسائل اجتماعی نام می‌برند. در این پژوهش بیان شده است که استراتژی‌های یادگیری متناسب با محورهای تربیت هنری و یادگیری نقد هنری می‌تواند به‌عنوان ابزاری اساسی برای تمامی جنبه‌های برنامه درسی هنر مورد توجه قرار گیرد. آن‌ها اعتقاد دارند که توسعه این روش، به طرز محسوسی نه تنها دانش آموزان را در یادگیری هنر موفق می‌کند، بلکه باعث موفقیت آن‌ها در زندگی خارج از مدرسه و محیط اجتماع نیز می‌شود. ابروین^۳ (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که هنر در مدارس در الویت نیست و بیشتر زمان درس هنر از زمان معرفی استانداردهای ملی در نظام آموزشی نیوزلند پس از سال ۲۰۱۰ می‌پردازد و نشان می‌دهد بیشتر زمان درس هنر صرف تولید آثار هنری آن هم به‌طور محدود و در زمینه هنرهای تجسمی می‌شود و به هنرهای سنتی، هنرهای نمایشی و موسیقی کمتر توجه می‌شود و همچنین به دلیل عدم توازن محتوا در پرداختن به همه محورهای تربیت هنری، معلمان به سایر بخش‌های تربیت هنری کمتر می‌پردازند. وونگ^۴ (۲۰۱۳) چهار عامل که به شکست و موفقیت برنامه درسی هنر منجر شده‌اند را حمایت از مدرسه، دانش تخصصی معلمان، بازخوردی که سبب بازنویسی و تعریف مجدد طرح برنامه درسی و استقلال معلم و رشد حرفه‌ای او بیان می‌کند.

تربیت هنری در ایجاد و بارور سازی زمینه‌های سازنده نظیر خلاقیت، رشد مهارت‌های شناختی، پرورش و تعدیل عواطف و احساسات، تحول سلوک فردی، رشد اخلاقی، افزایش اعتماد به نفس، رشد مهارت‌های فیزیکی تأثیری شگرف دارد. از این رو مکاتب گوناگون فکری، هنر را به منزله وسیله‌ای کارآمد برای توسعه مفاهیم و معارف مختلف در جامعه دانسته و آن را در پرورش انسان به گونه‌ای متناسب با هدف‌های خود به کار گرفته‌اند. (ذوالفقاریان، کیان: ۱۳۹۳).

در باب اینکه تربیت هنری، چه توانایی‌ها و شایستگی‌هایی را در یادگیرندگان ایجاد نماید و رشد دهد، دیدگاه‌ها و رویکردهای متفاوتی وجود دارد، که بر اساس هر یک از این رویکردها، در مورد سایر اجزا و مؤلفه‌های برنامه درسی نظیر هدف، محتوا، روش و ارزشیابی تصمیم‌گیری می‌شود. از میان رویکردهای مختلف تربیت هنری رویکرد مناسب در الگوی مطلوب «رویکرد تربیت هنری دیسیپلین محور» در نظر گرفته شده است. رویکرد

مهارت‌های مورد نیاز برای طراحی و اجرا بنیان‌گذاری شود. همچنین آموزش هنر باید بر محور موضوعات مهم یا اندیشه‌های پایدار با سایر موضوعات اصلی تلفیق شود. از نظر جروم هاپسمن^۱ تربیت هنری شامل آموزش حواس، رشد تجارب بصری، آفرینش و فهم اشکال نمادین بصری و رشد آگاهانه تصورات بصری در نقاشی، مجسمه‌سازی، هنرهای تزئینی و آموزش در زمینه کاربرد و اعمال قضاوت نقدانه تجارب بصری است (آیت الهی و همکاران، ۱۳۹۱).

اسود و اسلامی در پژوهشی (۱۳۹۹) در اهداف آموزش هنر به حوزه‌ها شناختی، عاطفی و مهارتی؛ در محتوای برنامه درسی هنر به استفاده از جلوه‌های طبیعی محیط دانش آموز در تولید محتوای تربیت هنری، رعایت اصول حاکم بر انتخاب و سازمان‌دهی محتوا در تولید محتوای کاردستی، استفاده از محتوای موسیقی، استفاده از داستان؛ در باب روش یاددهی یادگیری برنامه درسی هنر به روش‌های فعال آموزش مهارت‌های هنری، روش فعال و غیرمستقیم آموزش مهارت‌های هنری و روش تعاملی و فعال آموزش مهارت‌های هنری؛ در باب شیوه‌های ارزشیابی به ارزشیابی توصیفی، آزمون عملکردی و سنجش مشاهده‌ای اشاره کرده‌اند.

فیروزی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان جایگاه محورهای تربیت هنری، ساختار محتوایی و الگوی سه وجهی برنامه درسی در کتاب‌های درسی فرهنگ و هنر دوره اول متوسطه نشان دادند پرکاربردترین محورهای تربیت هنری به ترتیب عبارتند از: تولید هنری، زیبایی-شناسی، نقد هنری، آشنایی با تاریخ و میراث فرهنگی-هنری و ارتباط با طبیعت. همچنین اولویت‌های اول تا پنجم در ساختار محتوایی کتاب‌ها عبارتند از: هنرهای تجسمی، هنرهای سنتی، خوشنویسی، هنرهای آوایی و هنرهای نمایشی. بررسی الگوی ساختار برنامه درسی نیز نشان داد که به هر سه وجه فعالیت‌های تجویزی، نیمه تجویزی و غیرتجویزی توجه شده، اما محتوای این کتاب‌ها به لحاظ تناسب فعالیت‌ها با محتوای آموزشی ارائه شده، شکل تلفیق، توازن و تنوع محتوایی و عدم تحریک و تهییج خلاقیت دانش آموزان نیازمند بازنگری است.

بروم، پریا و اندرسون^۲ (۲۰۱۷) از نقد هنری که از محورهای تربیت هنری است به‌عنوان ابزاری مناسب برای پرورش توان تحلیل و ارزیابی هنر و تمرینی برای نقد

³ Irwin

⁴ Wong

¹ Jrome J Houseman

² Broome, J. Pereira, A & Anderson

شناختی و نگرشی و نه مهارتی) در این بخش اتفاق می‌افتد.

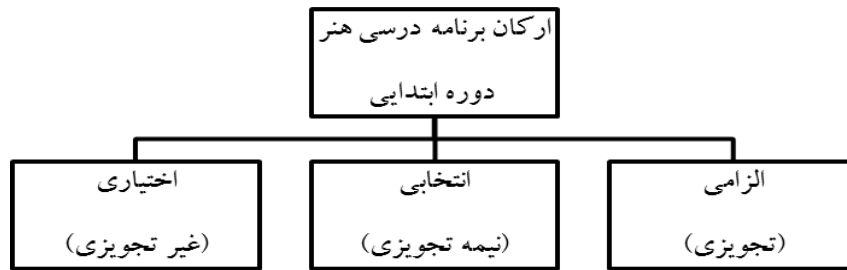
۲. رکن انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی هنر: بخشی از برنامه درسی که به پرورش «هویت اختصاصی» دانش آموزان را در کانون توجه قرار می‌دهد و به صورت چند وضعیتی (یعنی متناسب با وضعیت‌های گوناگون که دانش آموزان از نظر شغلی و تحصیلی برای آینده خود متصورند)، تعریف و طراحی می‌شود.

۳. رکن اختیاری (غیر تجویزی) برنامه درسی هنر: برخی از حوزه‌ها یا فعالیت‌های یادگیری در برنامه درسی هنر را دربر می‌گیرد. که به طور کامل، تحت تأثیر موقعیت‌های خاص زمانی، مکانی و انسانی قرار داشته، به طور ویژه برای پرورش «هویت‌های اختصاصی» کاربرد دارد.

دیسپلین محور در آموزش هنر بر این فرض استوار است که هنر دارای شأن و منزلت دیسپلینی است پس باید به عنوان یک ماده یا موضوع درسی مستقل در برنامه درسی گنجانده شود محتوای این رویکرد شامل تولید هنری، نقد هنری، تاریخ هنر و زیبایی شناسی است.

ساختار برنامه درسی هنر، دارای سه رکن به صورت زیر است:

۱. رکن الزامی (تجویزی) برنامه درسی هنر: بخشی از برنامه درسی است که برای پرورش «هویت مشترک» دانش آموزان کاربرد دارد، این بعد به صورت «تک وضعیتی» تعریف می‌شود؛ به گونه‌ای که ناظر به قابلیت‌ها یا شایستگی‌های پایه است و آماده سازی برای حرفه به صورت عام (در قالب شایستگی‌های اساسی و به طور عمده



شکل ۱ - ارکان برنامه درسی هنر دوره ابتدایی

کرد). بدین ترتیب هدف پژوهش، مهارت‌های دانش آموزان در برنامه درسی هنر است. پرسش‌های اساسی پژوهش عبارتند از:

- مهارت‌های دانش آموزان دوره ابتدایی در برنامه درسی هنر کدام است؟

- نقش دانش آموزان در ابعاد تجویزی (الزامی)، نیمه تجویزی (انتخابی) و غیرتجویزی (اختیاری) چیست؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، کیفی از نوع پدیدارنگاری است. برای شناسایی مهارت‌های تجربه شده و نقش دانش آموزان در برنامه درسی هنر پایه ششم ابتدایی، پدیدارنگاری انتخاب شد، زیرا اجازه فهمیدن تجربه‌ها و چگونگی مفهوم سازی شرکت‌کنندگان در پژوهش را می‌دهد. این روش تحقیق مستلزم مصاحبه با افراد برای شناخت چرایی و چگونگی رویارویی آنان با مسأله‌ای است

این پژوهش سعی کرده است تا مهارت‌های تجربه شده دانش آموزان در برنامه درسی هنر را شناسایی نموده و دلیل به وجود آمدن اختلاف بین سرفصل‌های مندرج در راهنمای برنامه درسی و تجارب دانش آموزان در کلاس را شناسایی کند. گاهی اوقات این اختلاف به این دلیل به وجود آمده است که مدرسه شرایط و امکانات لازم را برای اجرای برنامه درسی هنر فراهم نکرده و یا معلم تخصص کافی برای اجرای برنامه مورد نظر را نداشته است. در نتیجه آنچه را به وسیله برنامه‌ریزان درسی در قالب کتاب راهنما به معلمان داده شده در عمل به کار برده نمی‌شود. با مشخص شدن دلایل این که چرا برنامه‌ریزی‌های متخصصان در عمل کاربردی ندارد تا حدودی می‌توان موانع را برطرف ساخت و عوامل مؤثر در راه رسیدن به تجارب مثبت را افزایش داد. مسأله اساسی پژوهش حاضر، شناسایی و تبیین مهارت‌ها و تجاربی است که دانش آموزان در درس هنر کسب خواهند کرد (تجربه خواهند

(آگاهی) سازمان‌دهی شدند و به شکل طبقات توصیفی درآمدند. این مصاحبه‌ها به روش کدگذاری نظری سازمان-دهی شده و در راستای تعیین طبقات توصیفی ابتدایی تا نهایی چندین بار تحلیل شدند. تفسیر داده‌ها در قلب این پژوهش قرار دارد، پژوهشگر با توجه به تجربه شرکت کنندگان، گفت‌وگویی را با آنها انجام داد. مضامین ایجادشده، حاصل تفسیری دو جانبه بین پژوهشگر و شرکت کنندگان در مصاحبه بود. مضامین چیزهایی بودند که در جریان تعامل با متن مصاحبه‌ها آشکار شدند. سپس پاسخ درون هر مصاحبه از نظر نقاط مشترک موجود در مضامین تعیین شده برای هر شرکت کننده بررسی و پاسخ‌های مربوط به مصاحبه‌های بعدی مقایسه شدند. این فرایند تا زمانی ادامه یافت که همه مصاحبه‌ها تحلیل و لیستی از مضامین همه شرکت کنندگان استخراج شد. زمانی که مضامین دست‌نوشته‌های مختلف شناسایی شدند پژوهشگر شروع به ایجاد تغییرات زبانی در آنها کرد.

که پژوهشگر مطرح کرده است و برای دسترسی به داده-های غنی، مصاحبه قوی‌ترین ابزار است (گال و همکاران، ۱۹۸۵). برون‌داد یک مطالعه پدیدارنگارانه، تعداد محدودی از طبقات توصیفی است که هر یک معرف مفهومی متفاوت از یک پدیده معین در نزد گروه خاصی از افراد هستند (پنلوپه، آندراس و لارس او^۱، ۲۰۱۳). مشارکت کنندگان بالقوه پژوهش شامل دانش آموزان و معلمان پایه ششم ابتدایی ناحیه ۳ و ۴ کرج سال تحصیلی (۹۳-۹۴) بودند. در یک فرایند نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۱۰ نفر از معلمان و ۱۰ نفر از دانش آموزان با رعایت اصل اشباع نظری از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند در پژوهش شرکت کردند. اطلاع‌رسان‌ها در این پژوهش دانش آموزان پایه ششم دوره ابتدایی ناحیه ۳ و ۴ آموزشی کرج بودند که مصاحبه با این افراد تا حد رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. منظور از نقطه اشباع زمانی است که پژوهشگر با ادامه گردآوری داده‌ها به یافته جدیدی نمی‌رسد و عملاً گردآوری داده‌ها با تکرار یافته‌های قبلی همراه است. مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته ابزار استاندارد گردآوری اطلاعات برای پژوهش‌های پدیدارنگارانه هستند (دانکین^۲، ۲۰۰۰). این نوع مصاحبه‌ها به این دلیل مناسب هستند که نه مانند مصاحبه‌های ساخت یافته دست و پای محقق را در تولید اطلاعات می‌بندد و نه مانند مصاحبه عمیق اطلاعات وسیع و گاه غیرضروری فراهم می‌سازد (محمدپور، ۱۳۹۰). مصاحبه‌ها به صورت حضوری انجام شد و به خاطر ارزش نظری داده‌های کیفی، بعد از پایان هر مصاحبه، بلافاصله داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. فرایند کدگذاری متن مصاحبه‌ها در پدیدارنگاری به روش کدگذاری نظری انجام می‌گیرد (دانایی فرد و کاظمی، ۱۳۸۹).

در این پژوهش پژوهشگر در ابتدای امر به مطالعه اسناد بالادستی و منابع و مقالات معتبر پرداخت تا اطلاعات دقیق‌تر و جزئی‌تر در مورد برنامه درسی هنر کسب کند. جهت انجام این مصاحبه‌ها محقق ابتدا به طراحی سوالات مصاحبه^۳ پرداخت و پس از نهایی شدن سوالات، باید برای مصاحبه اقدام کرد و داده‌های لازم گردآوری شود. مصاحبه‌ای انجام شده باید به صورت کلمه به کلمه پیاده سازی شدند. داده‌ها در قالب ساختار تجربه

^۱ Penelope, Andreas & Lars-Owe

^۲ Dunkin

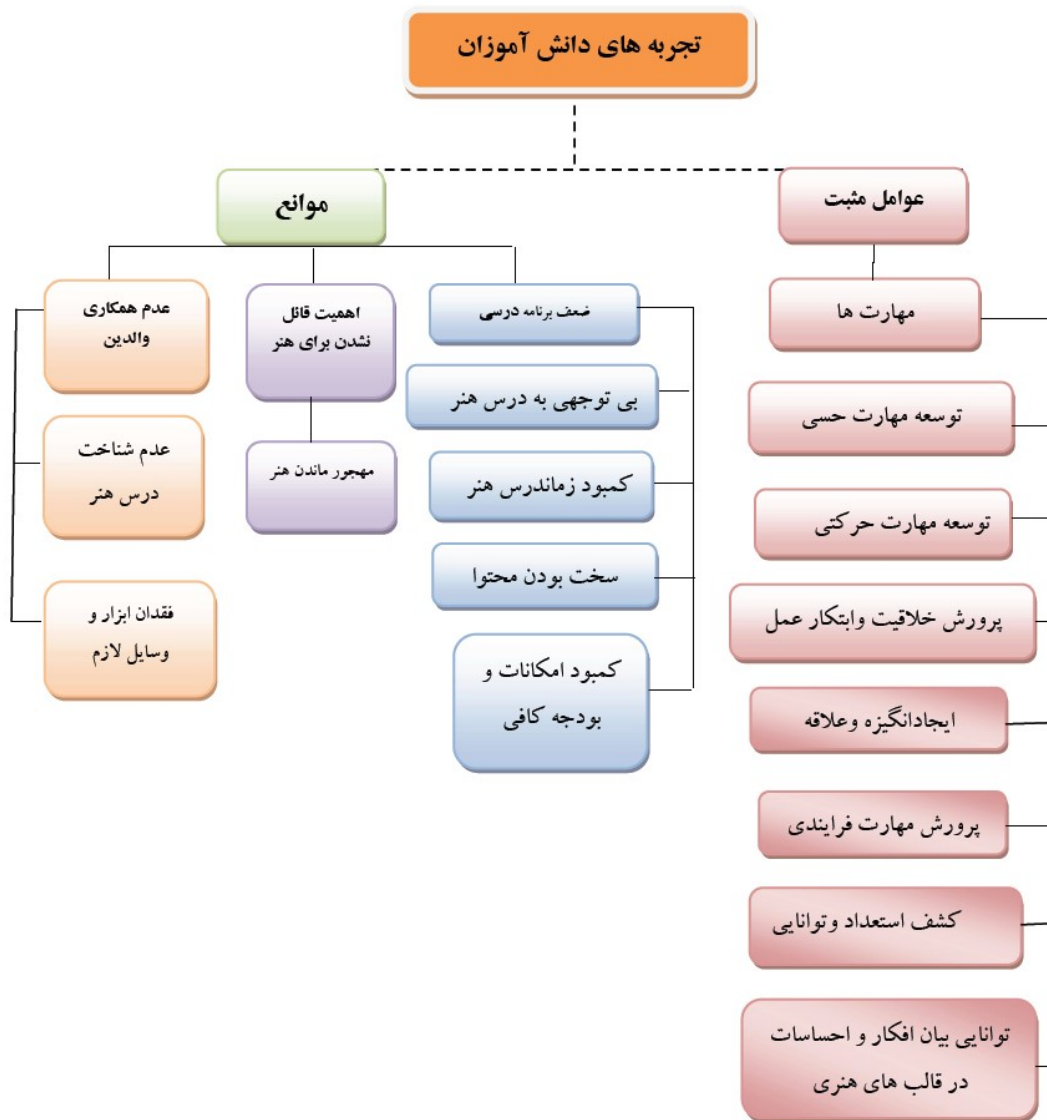
^۳ که به آنها سوالات محرک یا Trigger می‌گویند.

جدول ۱- مشخصات مصاحبه شونده‌گان (اطلاعرسان-ها)

کد مصاحبه شونده	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	پایه تدریس	سابقه تدریس
۱	کارشناسی	جامعه‌شناسی	ششم	۶
۲	کاردانی	آموزش ابتدایی	ششم	۳۰
۳	کاردانی	آموزش ابتدایی	ششم	۲۴
۴	کارشناسی	علوم اجتماعی	ششم	۴
۵	کاردانی	آموزش ابتدایی	ششم	۲۷
۶	کارشناسی	هنر	ششم	۳۰
۷	کاردانی	آموزش ابتدایی	ششم	۲۱
۸	کاردانی	علوم تربیتی	ششم	۲۰
۹	کارشناسی	علوم تربیتی	ششم	۱۱
۱۰	کارشناسی	آموزش ابتدایی	ششم	۸

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش در چهار بخش اصلی ارائه می‌شود. به‌طور کلی پژوهشگر در این پژوهش به یافته‌هایی تحت عنوان (۱) انواع مهارت‌های دانش آموزان (۲) نقش دانش آموزان در بعد تجویزی برنامه درسی (۳) نقش دانش آموزان در بعد نیمه تجویزی (۴) نقش دانش آموزان در بعد غیر تجویزی رسید؛ که خود شامل تعدادی زیر مقوله فرعی می‌باشد.



پرسش اول: مهارت های دانش آموزان دوره

ابتدایی در برنامه درسی هنر کدام است؟

در رسیدن به مهارت ها موانع و عوامل مثبتی وجود دارد که این عوامل مثبت شامل ۷ مورد مبنی بر توسعه مهارت های حسی- مهارت های حرکتی- پرورش خلاقیت- ایجاد انگیزه در دانش آموز- پرورش مهارت های هنری- توانایی بیان افکار و احساسات در قالب های هنری و کشف استعداد هنری دانش آموزان توسط معلم می باشد. موانع موجود در سر راه رسیدن به این هنر- عدم همکاری

والدین می باشد که خود شامل زیر مقوله ها می باشد. عواملی از جمله کمبود زمان در برنامه درسی جهت تدریس هنر، سخت بودن محتوا، کمبود امکانات و بودجه کافی و بی توجهی به درس هنر زیر مقوله هایی است که اشاره به ضعف برنامه درسی دارد. مهمجور ماندن هنر دلیلی بر بی توجهی به درس هنر می باشد. معلمان بیان کرده اند که والدین هیچ گونه شناختی از درس هنر ندارند و به سایر دروس اهمیت می دهند. والدین در اکثر موارد جهت

به عهده خودشان می‌گذاریم ولی در حوزه کار دستی زمان کمتری داریم و طریقه ساخت یک کاردستی را آموزش می‌دهیم.»

ایوای (۲۰۰۳) در پژوهشی مروری با عنوان «ملاحظات تربیت هنری در زندگی کودکان» که در قالب گزارش یونسکو ارائه کرد، اشاره می‌کند که ارتباط هنر با تعلیم و تربیت از پنج دیدگاه قابل توجه است: رشد زیبایی شناختی، رشد اجتماعی-عاطفی، رشد اجتماعی - فرهنگی، رشد شناختی، پیشرفت تحصیلی. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که فعالیت‌های مناسب هنری نه تنها رشد زیبایی شناختی کودکان را بهتر می‌کند، بلکه ارج-گذاری آن‌ها به هنر را نیز تقویت می‌کند. کودکان در برنامه‌های نمایشی از طریق ایفای نقش و نوشتن داستان توانستند به دیدگاه‌های بهتری درباره خود اظهاری، پذیرش خود، پذیرش دیگران و خود آگاهی دست یابند.

۴- ایجاد انگیزه و علاقه برای دانش آموز به

درس هنر:

معلمان بیان کردند که تعدادی از دانش آموزان در انجام فعالیت‌های هنری بی‌انگیزه هستند و علاقه و تمایلی به انجام کارهای هنری نشان نمی‌دهند، بنابراین برای ایجاد انگیزه و علاقه دانش آموزان به فعالیت‌های هنری از روش‌های مختلفی استفاده کرده‌اند؛ از جمله ایجاد نمایشگاه کوچک نقاشی از کارهای دانش آموزان کلاس در پایان ساعت هنر - نظرخواهی از دانش آموزان در مورد انجام کاردستی برای جلسه بعد - دادن آزادی عمل به دانش آموزان در انتخاب ابزار برای ساخت کاردستی و نقاشی با موضوع آزاد.

معلم ۱: «یکی از دانش‌آموزان کلاس که دفتر نقاشی و مداد رنگی نمی‌آورد و هیچ وقت نقاشی نمی‌کشید من ایشان را در زمینه خوشنویسی، مجسمه‌سازی و کار با گل-رس بهداشتی تشویق می‌کردم تا در وجودش علاقه به این رشته ایجاد شود که به مجسمه‌سازی و خوشنویسی علاقه نشان داد.»

۵- پرورش مهارت‌های هنری و فرایندی

مهارت‌های فرایندی شامل تفکر، تعامل، مشارکت، همکاری، نظم، دقت و خلاقیت است. اگر معلم در کلاس هنر به فرایند کار به جای محصول و نتیجه توجه کنند مهارت فرایندی کودک را پرورش داده است. دانش آموز ۳: «ما ترکیب رنگ کار کردیم، ساک-دستی با مقوا درست کردیم، شال و کلاه بافتیم، نقاشی

تهیه ابزار و وسایل مورد نیاز برای ساخت کاردستی همکاری لازم با معلم ندارند.

۱- توسعه مهارت‌های حسی

توسعه مهارت‌های حسی در سایه آموزش هنر ممکن است. استفاده از حواس پنج‌گانه در شناخت محیط و دریافت اطلاعات مفید از محیط می‌تواند موثر باشد. معلم با توسعه مهارت‌های پنج‌گانه می‌تواند به دانش آموزان در شناخت محیط کمک کند. با کشیدن چند تا از اجسام زبر مثل سکه با انواع بافت زبر و خشک آشنا شدیم (دانش آموز ۲).

دانش آموز ۴: «بافت زبر و خشک سر کلاس که کار نکردیم ولی من یادم می‌آید پیش دبستانی که بودم در کتاب کار انواع پارچه‌های خردار و نرم یا زبر را می-چسبانیدم.»

۲- توسعه مهارت‌های حرکتی :

دست‌ورزی - قصه و نمایش - شعر گروهی- نقاشی با موضوع آزاد

در انجام دادن فعالیت‌های هنری ضرورت دارد که بین حواس، هماهنگی برقرار شود؛ یعنی فرد بتواند ذهن، چشم، دست و حرکات بدنی خود را هماهنگ کند تا قادر شود آنچه را در ذهن دارد، در قالب یک اثر هنری نشان دهد

معلم ۴: «من سعی نکردم فقط هنر صرف نقاشی و خوشنویسی بشود سعی کردم مهارت دست‌ورزی دانش آموزان را تقویت کنم مثلاً" اینکه با مواد دورریختنی کاردستی یا کار بافتنی انجام بدهند، که تنوع بیشتری داشته باشد.»

دانش آموز ۳: «ما شعرهای کتاب فارسی را حفظ کردیم و شعر (سخن) را به صورت دسته جمعی سر کلاس هنر خوانده‌ایم و نمایش درس راز زندگی را در کلاس انجام دادیم.»

۳- پرورش خلاقیت و ابتکار عمل:

اساساً آموزش هنر فرصتی برای تجربه کردن است. درس هنر از جمله درس‌هایی است که با توجه به زمینه-های مساعد موجود در آن بستر مناسبی برای رشد و توسعه مهارت‌های تفکر است

معلم ۲: «در حوزه نقاشی دست‌مان بازتر است و می‌توانیم ابتکار عمل بیشتری به بچه‌ها بدهیم یعنی می-توانیم نقاشی با موضوع آزاد به بچه‌ها بدهیم و هیچ تصویری به شاگردان نشان نمی‌دهیم و کشیدن نقاشی را

۲- بی‌توجهی به درس هنر

با توجه به نظر معلمان می‌توان ادعا کرد که ارزش و اهمیتی برای هنر بخصوص در پایه ششم قائل نیستند و از درس هنر برای تفریح و سرگرمی دانش‌آموزان استفاده می‌کنند و ساعت هنر، دروس دیگر تدریس می‌کنند و به جای دو ساعت هنر یک ساعت هنر کار می‌کنند.

معلم ۶: «معمولاً در مدارس کلاس‌های هنر دو ساعت است که یک ربع زنگ تفریح در بین دارند ولی خیلی از بچه‌ها به‌عنوان زنگ تفریح و یا بازی به ساعت هنر نگاه می‌کنند تعداد کمی از بچه‌ها به ساعت هنر اهمیت می‌دهند.»

۳- کمبود زمان در برنامه درسی

با توجه به نظر معلمان می‌توان ادعا کرد که زمان اختصاص داده شده به آموزش هنر بسیار کم است زمان آموزش هنر در مدارس هفته‌ای دو ساعت است که مدارس آن را به یک ساعت یا یک ساعت ونیم در هفته تقلیل داده‌اند و از هنر به‌عنوان سرگرمی در مدارس استفاده می‌کنند.

معلم ۹: «به دلیل محدودیت زمانی که برای درس هنر در برنامه درسی داریم از طرف والدین و بچه‌ها به این درس بهای لازم داده نمی‌شود که ابتکار عمل خاصی برای آن در نظر بگیرند.»

۴- سخت بودن محتوا :

تدریس هنر کار بسیار مشکلی است معلمی که می‌خواهد هنر تدریس کند باید در درجه اول معلم باشد و معلمی بداند. داشتن مهارت هنری تنها نمی‌تواند فرایند مناسبی را جهت آموزش شکل دهد.

معلم ۳: «تدریس هنر کار بسیار سخت و مشکلی است مثل بقیه دروس قانون ندارد خلاقیت و تنوع یا شاید بهتر بگویم سلیقه در انجام کار هنری بحث بسیار مهمی است. به نظرم معلم هنر باید خودش هنرمند باشد تا بتواند هنر را به خوبی تدریس کند.»

با توجه به نظر معلمان می‌توان بیان کرد که تدریس محتوای هنر کار سخت و مشکلی است و باید در روش‌های تدریس دقت کافی لحاظ کرد.

۵- کمبود امکانات و بودجه کافی

معلمان از کمبود امکانات کافی در مدارس شکایت دارند. کمبود تخصیص بودجه برای درس هنر تدریس را با مشکل مواجه کرده است.

روی مقوا کشیدیم و با گواش و آبرنگ رنگ زدیم، کار با گل‌رس انجام دادیم که وقتی خشک شد با گواش رنگ کردیم.»

فلاحی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی باعنوان «تأثیر آموزش با رویکرد تربیت هنری بر فعالیت‌های هنری و مهارت‌های فرایندی دانش‌آموزان پایه چهارم» نشان داد نمره فعالیت هنری دانش‌آموزانی که با رویکرد تربیت هنری آموزش دیده‌اند با نمره فعالیت هنری دانش‌آموزانی که با روش‌های گذشته آموزش دیده‌اند تفاوت معناداری دارد. با رویکرد تربیت هنری مهارت‌های فرایندی تفکر، تعامل، مشارکت، همکاری، نظم، دقت و خلاقیت تقویت می‌شوند.

۶- کشف استعداد و توانایی هنری

معلم باید بتواند با دیدن اثر هنری مخصوص نقاشی‌های دانش‌آموزان استعداد و توانایی‌های ویژه هر دانش‌آموز را تشخیص بدهد.

معلم ۱۰: «معلم نباید در زنگ هنر باید و نباید مشخص کند، بلکه باید زمینه فعالیت‌های مختلف را فراهم کند.»

۷- توانایی بیان افکار و احساسات در قالب-

های هنری

دانش آموز ۴: «من با مقوا و گواش و پولک یک کارت ماهی و دریا درست کردم و برای روز معلم به خانم هدیه دادم، و یک کارت دیگر هم با گل خشک روی مقوا دسته گل زیبا درست کردم به کلاس آوردم خانم خیلی خوشش آمد کارم را در نمایشگاه مدرسه گذاشتند.»

می‌توان نتیجه گرفت که در ساعت هنر می‌توان فعالیت‌های هنری را طوری ترتیب داد که دانش‌آموز بتواند به بهترین وجه احساساتش را در قالب فعالیت‌های هنری مثل نقاشی یا کاردستی بروز دهد.

پیامدهای منفی مهارت‌های دانش‌آموزان

۱- ضعف برنامه درسی

معلمان اذعان می‌دارند که در اجرا و آموزش هنر با موانع و مشکلاتی مواجه هستند که ناشی از ضعف برنامه درسی است.

معلم ۷: «زمان محدود در برنامه درسی برای هنر اجازه یادگیری و بروز خلاقیت را به دانش‌آموزان نمی‌دهد در بیشتر موارد کاردستی یا مشق هنر را دانش‌آموز با کمک اولیاء خود در منزل انجام می‌دهد.»

آنها گفته‌ام با مواد دورریختنی مثل قوطی‌ها، دکمه، کاغذ باطله و... می‌توانیم کاردستی درست کنیم.»

۹- فقدان ابزار و وسایل لازم:

معلمان به نبود امکانات، ابزار و وسایل لازم، عدم وجود فضا و شرایط مناسب جهت آموزش هنر اذعان می‌کنند. بعضی معلمان از کامپیوتر جهت آموزش هنر بی‌بهره‌اند.

معلم ۹: «والدین جهت تهیه ابزار و وسایل لازم برای ساخت کار دستی رغبت نشان نمی‌دهند. همیشه طی دوران کاری‌ام شاهد مخالفت‌های والدین با وسایل لازم جهت کاردستی‌های هنری بوده‌ام که احساس می‌کنم ذهنیت‌شان راجع به هنر و کاردستی مثبت نیست.»

در مدارس نبود امکانات کافی جهت تدریس هنر، نبود کارگاه‌های آموزش سفالگری، نقاشی و... تدریس هنر را با مشکل مواجه می‌کند.

۱۰- عدم شناخت درس هنر:

والدین بیش از حد به نمره و دروس دیگری مثل ریاضی و علوم اهمیت می‌دهند و درس‌های هنر و ورزش را بی‌اهمیت می‌دانند و توجه زیادی به سایر درس‌ها غیر از هنر دارند

معلم ۹: «مهم‌ترین دلیل بیگانگی با هنر شناخت محدود مدیران مدارس و معلمان از هنر است هنر می‌تواند باعث شکوفایی خلاقیت و پرورش استعدادبچه‌ها شود من تا جایی که محدودیت زمانی نداشته باشم اجازه خلاقیت و هنرنمایی به بچه‌ها می‌دهم.»

پرسش دوم پژوهش: نقش دانش آموزان در ابعاد تجویزی (الزامی)، نیمه تجویزی (انتخابی) و غیر تجویزی (اختیاری) چیست؟

نقش دانش آموز در بعد تجویزی (الزامی)

موانع: ۱- عدم استفاده از معلم متخصص:

یکی از مشکلات جدی و اساسی در ارائه درس هنر کمبود معلمان متخصص هنر می‌باشد با توجه به این مشکل می‌توان از یک یا چند معلم در سطح ناحیه استفاده کرد تا به‌عنوان یک مرجع علمی در درس هنر توصیه‌های لازم را به معلمان دوره ابتدایی ارائه دهد.

۲- کمبود زمان کافی جهت انجام کارهای

هنری: اگر قرار است که دانش آموز از طریق یادگیری محتوای هنر به اهداف آن دست یابد لازم است از فرصت

معلم ۴: «متأسفانه امکانات ما بسیار محدود است امکان بازدید از نمایشگاه‌ها، گالری نقاشی، بازدید از کارهای هنری و... وجود ندارد.»

معلم ۶: «در تمام مدارس ما دبیر هنر وجود ندارد اگر هم وجود داشته باشد امکانات کافی نیست، فضای آموزشی مناسب نیست، کارگاه آموزشی مثل کارگاه سفالگری وجود ندارد با ورود بازی‌های کامپیوتری علاقه دانش آموزان به فعالیت‌های هنری کمتر شده است.»

۶- اهمیت قائل نشدن برای هنر

هنر از دیرباز در مدارس ما به‌عنوان زنگ تفریح قلمداد شده است و معلمان تصور می‌کنند هنر جزء ساده‌ترین درس‌هاست و به جای هنر درس ریاضی، علوم و... تدریس می‌کنند.

معلم ۹: «بچه‌های پایه ششم آزمون ورودی تیزهوشان و نمونه دولتی دارند بیشترین توجه و تمرکز روی درس‌های مهم‌تر است.»

۷- مهجور ماندن هنر:

معلمان به دروس دیگر مثل ریاضی و علوم اهمیت می‌دهند و برای هنر ارزش و اهمیت چندانی قائل نیستند و در ساعت هنر به کارهای دیگر مثل بررسی تکالیف دانش آموزان می‌پردازند.

معلم ۷: «بیشتر وقت‌ها در ساعت هنر به درس‌های عقب افتاده می‌رسیم من خودم خیلی وقت‌ها تعلیمات اجتماعی تدریس می‌کنم. حجم این کتاب خیلی زیاد و مطالب آن سنگین زمان بیشتری احتیاج دارد.»

آموزش هنرها مسأله‌ای فراتر از تدریس مهارت‌ها، فعالیت‌ها، و دانش خاص به یادگیرندگان است. در این راستا برنامه‌های تربیت هنری علاوه بر قابلیت‌های کارگاهی، باید به سمت آماده سازی بیشتر معلمان هنر برای تدریس جهت‌دهی شوند تا بر اساس مهارت‌های سایر هنرمندان فعالیت کنند. مهارت‌هایی که در سایر موضوعات درسی قرار دارند. همچنین مهارت‌هایی را در خود رشد دهند که برای مشارکت با هنرمندان و معلمان سایر موضوعات درسی در موقعیت‌های آموزشی نیاز است (ذوالفقاریان، کیان: ۱۳۹۳).

۸- عدم همکاری والدین:

معلم ۷: «بعضی از والدین جهت تهیه ابزار و وسایل لازم با مدرسه همکاری ندارند من هم به نوبه خود سعی می‌کنم وسایل در دسترس‌تر از شاگردان بخواهم حتی به

راهنما اطلاع داشته باشند می‌توانند فعالیت‌های هنری را بر مبنای این فصول طراحی کنند.

۳-انجام ارزشیابی در پایان ساعت:

مقیاس ارزشیابی هنر باید مقیاس کیفی باشد و معمولاً با مقیاس‌های ضعیف، متوسط و خوب سنجیده شود. در ارزشیابی هنر نباید دانش آموزان را با هم مقایسه کرد و هر اثر هنری را به‌صورت جداگانه باید بررسی و ارزشیابی کرد. یکی از ملاک‌های ارزشیابی هنر تناسب آموزش با سن یادگیرنده و متناسب با توانایی‌های اوست. معلم ۷: «ارزشیابی از کار تک تک دانش آموزان انجام می‌دهم حتی کاردستی‌ها را اگر به‌صورت گروهی انجام داده باشند ارزشیابی می‌کنم. ارزشیابی باعث تقویت نقاط قوت و پیدا کردن نقاط ضعف می‌شود.»

با توجه به نظر معلمان می‌توان ادعا کرد که ارزش-گذاری به هنر و ارزشیابی در پایان زنگ هنر باعث افزایش سطح مهارت، دقت و ایجاد حس رقابت و علاقه در دانش آموز می‌گردد.

نقش دانش آموز در بعد نیمه تجویزی

(انتخابی)

این رکن به‌صورت چند وضعیتی یعنی متناسب با وضعیت‌های گوناگون که دانش آموزان از نظر شغلی و تحصیلی برای آینده خود متصورند تعریف و طراحی می‌شود تا امکان انتخاب از میان اشکال و انواع وجود داشته باشد.

عوامل مؤثر:

۱-دادن ابتکار عمل به دانش آموزان:

معلم ۱: «درحوزه نقاشی و کاردستی ابتکار عمل می‌دهم هر پروژه‌ای که برای هنر آموزش می‌دهم به بچه‌ها می‌گویم که حتماً نباید مثل این باشد اگر چیزی توی ذهنتان هست، اگر تصویری مورد نظرتان هست هیچ تصویری به شاگردان نشان نمی‌دهم و کشیدن نقاشی رابه عهده خودشان می‌گذارم.»

معلم ۵: «از ایده‌ها و نظرات خود بچه‌ها استفاده می‌کنم مثلاً در کلاس نقاشی یکی از بچه‌ها پایین ورق کتاب خودش تصویر یک آدم در حال شوت کردن توپ کشیده بود که با ورق زدن کتاب، تصویر حرکت می‌کرد و ... این طرح را خواستم تا به دیگر همکلاسی‌هایش آموزش بدهد. به نظر من این یک کار ابتکاری بود.»

۲-یادگیری مشارکتی:

کافی و مناسب برخوردار باشد، پس باید این زمان در برنامه درسی طراحی گردد.

معلم ۴: «ساعتی که برای این درس در نظر گرفته می‌شود بسیار کم است چون من خودم در زنگ هنر نتوانستم کارکرد بچه‌ها را بسنجم، آن را با کلاس کاروفناوری تلفیق کردم.»

۳-شناور بودن معلم :

ثابت بودن معلم از اولویت‌های مهم و اثربخش تربیت هنری است و شناور بودن معلم باعث عدم کارایی و نرسیدن به اهداف تربیت هنری می‌گردد. چند نفر از معلمان بیان کرده‌اند که کلاس‌های آن‌ها به صورت شناور اداره می‌شود یعنی یک معلم دروسی مثل ریاضی، اجتماعی، هدیه، تفکر و پژوهش و کار و فناوری و معلم دیگر درس‌های فارسی- علوم- قرآن- ورزش و هنر را تدریس می‌کنند. معلمان شناور بیان می‌کنند که نمی‌توانند درس‌ها را با هم تلفیق کنند و از خلاقیت خود در تلفیق دروس با هنر استفاده کنند.

۴-کمبود زمان جهت انجام ارزشیابی :

معلم ۴: «متأسفانه من اقرار می‌کنم در این زمینه ضعیف عمل کردم به خاطر اینکه خیلی فرصت نداشتم سعی کردم متنوع کار کنم خیلی ارزشیابی نکردم.»

عوامل مؤثر:

۱-آشنایی با راهنمای برنامه درسی:

آشنایی با راهنمای برنامه درسی باعث می‌شود معلمان و مدیران در اجرای برنامه درسی مشارکت لازم را داشته باشند و در برنامه‌ریزی‌های مختلف زمان، منابع و امکانات را به عنوان یک اولویت در نظر بگیرند. معلمانی که با سر فصل‌های راهنما آشنایی دارند آموزش هنر را بر طبق سرفصل‌های راهنما تقسیم بندی می‌کنند.

معلم ۱۰: «سال قبل کلاس ضمن خدمت هنر داشتیم سر فصل‌ها هم به ما آموزش داده شد اما زمان برای تدریس آن هم در پایه ششم واقعاً محدود است باید دانش آموزان را برای آزمون ورودی تیزهوشان و نمونه دولتی آماده کنیم.»

۲-استفاده از سر فصل‌های راهنما:

سر فصل‌های کتاب راهنمای معلم شامل سه بخش که هر بخش شامل تعدادی فصل می‌باشد بخش دوم که محتوای برنامه درسی هنر است شامل بخش ارتباط با طبیعت، نقاشی، کاردستی، تربیت شنوایی، قصه و قصه-گویی و نمایش می‌باشد. اگر معلمان از بخش‌های این

شود ولی در تمام مدارس، هنر در خط، نقاشی و کاردستی و شاید هم سرود خلاصه می‌شود.»

معلم ۳: «در پایان کلاس کارهای نقاشی و کاردستی‌های بچه‌ها را روی میز می‌گذاریم تا سایر بچه‌ها در کلاس از کارهای هم تجربه هنری کسب کنند و جهت بهتر شدن کار خود تلاش کنند. متأسفانه فقط می‌توانم روی نقاشی یا در نهایت کاردستی‌های بسیار ساده کار کنم.»

محتوای برنامه درسی هنر شامل ۶ فصل: ارتباط با طبیعت- نقاشی- کاردستی- تربیت شنوایی- قصه و قصه- گویی و نمایش می‌باشد. اما تدریس هنر در مدارس به کاردستی و نقاشی محدود است.

۲- نقش دانش آموزان در بعد غیر تجویزی

این رکن به حوزه‌ها یا فعالیت‌های یادگیری در برنامه درسی هنر می‌پردازد که کاملاً تحت تأثیر علایق و گرایش‌های فرد و برای پرورش هویت اختصاصی اوست.

۳- توجه به علایق و تفاوت‌های فردی دانش

آموزان:

معلم ۲: «با تشویق و ارائه کارهای جذاب توانستم در دانش آموزان بی‌علاقه تا اندازه زیادی علاقه به فعالیت هنری ایجاد کنم.»

معلم ۳: «یک طرح کلی به صورت موضوع به دانش‌آموز ارائه می‌دهم طراحی و ساخت به عهده خود دانش‌آموز است.»

توجه به علایق و استعداد‌های هنری تک تک دانش آموزان باعث پرورش هویت اختصاصی آنها می‌شود و باعث کمک به رشد، تسریع و افزایش انگیزه یادگیری می‌شود.

۴- عدم توجه به خلاقیت و ابتکار عمل:

معلم ۹: «مهم‌ترین دلیل بیگانگی با هنر شناخت محدود مدیران مدارس و معلمان از هنر است هنر می‌تواند باعث شکوفایی خلاقیت و پرورش استعداد بچه‌ها شود من تا جایی که محدودیت زمانی نداشته باشم اجازه خلاقیت و هنرنمایی به بچه‌ها می‌دهم.»

معلم ۲: «تا حد کمی فعالیت آزاد هنری به دانش آموز می‌دهیم ولی بعد از آموزش یک کاردستی، تزئین آن را به خلاقیت دانش آموز واگذار می‌کنیم یعنی هر کس می‌تواند روی کاردستی خود آزادانه کارهای سلیقه‌ای و هنری انجام دهند.»

۵- عدم توجه به علایق و استعداد‌های دانش

آموزان:

برای جلب مشارکت دانش آموزان ابتدا لازم است فعالیت‌های هنری به صورت فردی انجام شود تا فرصت تجربه و نشان دادن توانایی‌ها و مهارت‌ها به طور مستقل وجود داشته باشد.

معلم ۱: «یکی از اهداف ما در آموزش هنر انجام کار به صورت گروهی و مشارکتی است بچه‌ها وقتی در گروه کار می‌کنند از ایده‌های هم ایده می‌گیرند، همین کار پروژه ساک‌دستی و سبزی‌کاری بچه‌ها را به گروه‌های ۴-۵ نفره تقسیم کردم توی گروه اگر برای استفاده از ابزار نماینده‌ی گروه تقسیم بندی می‌کند که چه کسی چه ابزاری بخرد و در کلاس براساس الگو به صورت گروهی یک ساک دستی درست کرده و در آخر ساعت، گروه‌ها کارشان را تحویل بدهند بعد ارزشیابی شوند.»

معلم ۱۰: «کار گروهی باعث می‌شود که بچه‌ها با ایده‌ها و سلیقه‌های دوستانشان هم آشنا شوند و با هم بیشتر همکاری داشته باشند و این یکی از اهداف مهم درس هنر است. در ساعت درس هنر بعضی از کاردستی‌ها که برای ساخت‌شان وسایل بیشتری نیاز است بچه‌ها گروه بندی می‌شوند و هر کسی قسمتی از وسایل مورد نیاز را به عهده می‌گیرد و در پایان، کارگروهی مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد.»

۳- تلفیق درس هنر با سایر دروس:

با توجه به نظر معلمان می‌توان بیان کرد که اکثر معلمان نسبت به تلفیق درس هنر با سایر دروس مثل علوم و کاروفناوری و ریاضی نظر مثبتی داشتند و برای آموزش اشکال هندسی و طراحی از مکعب‌هایی که در ریاضی ساخته بودند استفاده کردند.

پروژه تحول تعلیم و تربیت از طریق چالش هنر، پروژه‌ای ملی است که شیوه تلفیقی درس هنر را ارائه می‌کند و در مدارس سراسر ایالات متحده آمریکا با موفقیت منطبق است در این برنامه نه تنها همه دانش‌آموزان بلکه معلمان نیز برای تدوین برنامه‌های درسی اثربخش جدید آموزش می‌بینند (مهرمحمدی-کیان: ۱۹۱: ۱۳۹۳)

برنامه‌های درسی تلفیقی نیازمند معلمان مجرب و آموزش دیده است. معلمانی که بتوانند از رشته‌های مختلف علمی برای حل مسائل کمک بگیرند.

موانع موجود اجرای برنامه درسی هنر:

۱- انحصار درس هنر به نقاشی و کاردستی

معلم ۶: «با محدود بودن کلاس‌ها و نداشتن امکانات کافی در مدارس، نیاز به کارگاه هنری دیده می‌-

معلم ۷: «فرصت کافی برای بیان همه ایده‌ها وجود ندارد»

۷-عدم ایجاد فرصت مناسب برای کسب تجارب هنری :

معلم ۷ : «اگر معلم به درس هنر علاقه‌مند باشد می‌تواند تجارب هنری خوبی در دانش آموز ایجاد کند. با وجود محدودیت زمان در ساعت هنر فقط به حوزه نقاشی و کاردستی پرداختم.»

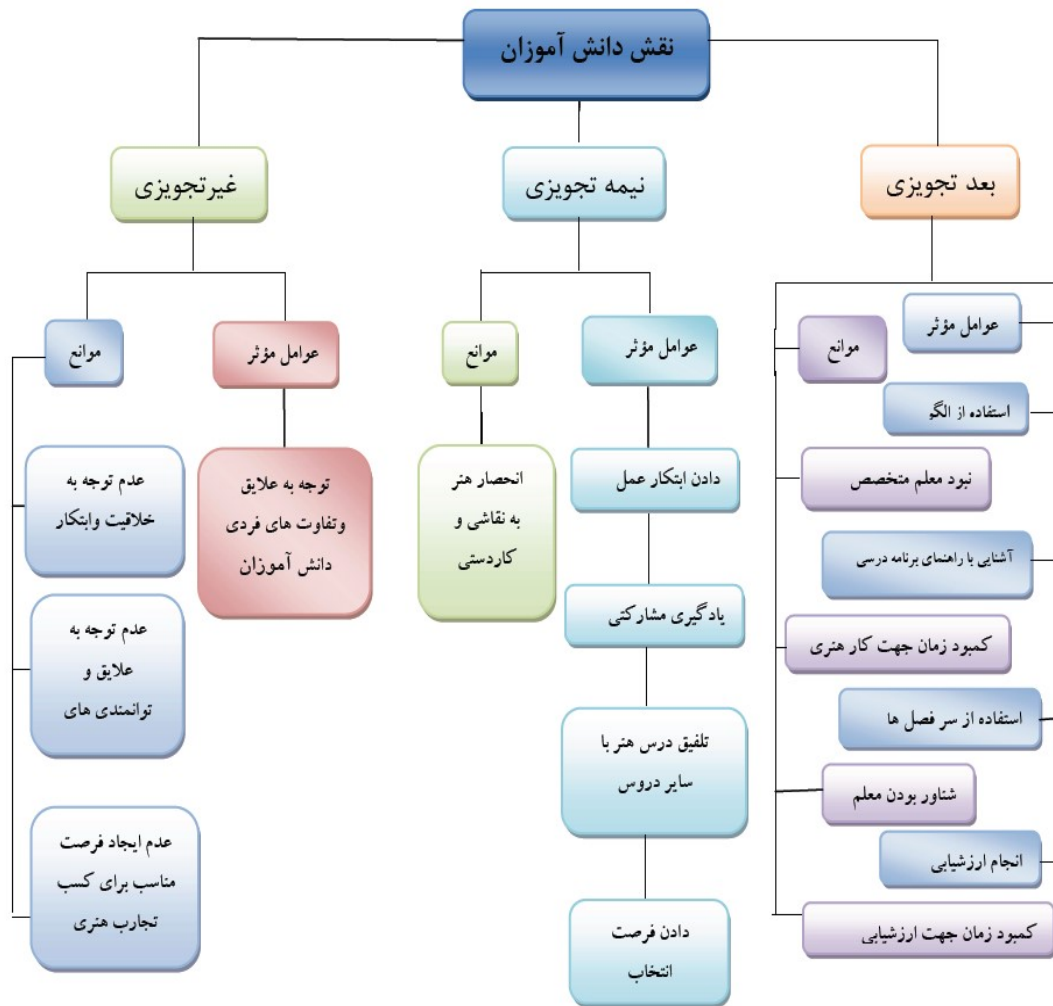
معلم ۶: «فرصت‌های مناسب وجود ندارد مگر دانش آموزان با اولیاء خود به نمایشگاه‌های آثار هنری بروند یا مسئولین مدرسه دانش آموزان را برای بازدید به نمایشگاه ببرند.»

معلم ۳: «این خیلی خوب است که به علایق هر دانش آموز توجه شود ولی چون تعداد دانش آموزان زیاد است این کار عملاً امکان‌پذیر نیست.»

معلم ۷: «تا حدی می‌توان به علایق هر دانش آموز توجه کرد دو عامل مهم یکی کمبود زمان لازم جهت تدریس هنر و دیگری تعداد زیاد دانش آموزان در هر کلاس باعث عدم توجه به این موضوع می‌شود.»

۶-عدم توجه به ایده‌های دانش آموزان:

معلم ۶: «معمولاً برای موضوع‌های هنری در بعضی موارد جهت برگزاری مراسم و مناسبت‌های خاص بچه‌ها را دسته بندی می‌کنم و نظر کل گروه را اجرا می‌کنیم.»



نقش دانش آموزان در ابعاد تجویزی، نیمه تجویزی و غیر تجویزی

بحث و نتیجه‌گیری

درباره پاسخ به پرسش اول مهارت‌های کسب شده دانش‌آموزان در برنامه درسی هنر پایه ششم یافته‌ها حاکی از آن است که پژوهشگر با توجه به راهنمای برنامه درسی هنر مهارت‌های به دست آمده دانش‌آموزان را در چهار گروه (توسعه مهارت‌های حسی، توسعه مهارت‌های حرکتی، پرورش خلاقیت و ابتکار عمل، توانایی بیان افکار و احساسات در قالب‌های هنری) طبقه‌بندی کرده است. در بخش دوم پاسخ به پرسش اول موانع موجود که شامل ضعف برنامه درسی (بی‌توجهی به درس هنر، کمبود زمان، سخت بودن محتوا، کمبود امکانات و بودجه کافی)، اهمیت قائل نشدن برای هنر (مهجور ماندن هنر) و عدم همکاری والدین (فقدان ابزار و وسایل، عدم شناخت هنر) می‌باشد، بیان شد.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش که نقش دانش‌آموز در بعد تجویزی یا الزامی برنامه درسی هنر است نخست به بررسی موانع موجود (عدم استفاده از معلم متخصص، عدم آگاهی از راهنمای معلم، کمبود زمان جهت انجام کارهای هنری، کمبود زمان جهت ارزشیابی) در سر راه رسیدن دانش‌آموز به اهداف این برنامه درسی اشاره شد. در خصوص نقش دانش‌آموز در بعدنیمه تجویزی مبنی بر ارائه رکن به‌صورت چند وضعیتی (یعنی متناسب با وضعیت‌های گوناگونی که دانش‌آموزان از نظر شغلی و تحصیلی برای آینده خود متصورند) به موانعی رسیدیم که امکان انتخاب از میان اشکال مختلف فعالیت‌ها را برای دانش‌آموزان فراهم نمی‌آورد و در دو مورد تحت عنوان انحصار هنر به نقاشی و کاردستی و عدم تلفیق هنر توضیح داده شد. در خصوص نقش دانش‌آموز در بعد غیر تجویزی که این رکن به حوزه‌ها یا فعالیت‌هایی که کاملاً تحت تأثیر علایق و گرایش‌های فرد برای پرورش «هویت اختصاصی» می‌پردازد بیشتر با موانع موجود که نقش دانش‌آموز را در انتخاب فعالیت مورد علاقه‌اش کم رنگ کرده است برخورد کردیم این موانع تحت عناوین عدم توجه به خلاقیت و ابتکار عمل، عدم توجه به علایق دانش‌آموزان و عدم ایجاد فرصت مناسب برای کسب تجارب هنری توسط معلمان توضیح داده می‌شود.

رویکردهای برنامه درسی هنر در دوره ابتدایی رویکرد برنامه درسی هنر «تربیت هنری» است. انجام دادن فعالیت‌های هنری در فضایی که کودکان، آزادانه تخیل و اندیشه کنند، حواس‌شان تقویت شود، ظرفیت‌های نهفته

هوش و تفکرشان پرورش یابد، عواطف و احساساتشان توسعه یابد و استعداد و خلاقیت‌هایشان شکوفا شود، به «تربیت هنری» منجر می‌شود. به جرأت می‌توان گفت که همه کودکان فعالیت‌های هنری را دوست دارند آنها در این گونه فعالیت‌ها و هنگام انجام دادن کارهای عملی، طراحی، ساختن، شکست و پیروزی را تجربه می‌کنند. به این ترتیب زمینه‌ای برای بروز خلاقیت و احساسات آنها فراهم می‌شود. لازم است دانش‌آموز توانایی‌های ذهنی و جسمی مورد نیاز برای شرکت در فعالیت‌های هنری را داشته باشد. رشد شناختی او باید به مرحله‌ای رسیده باشد که بفهمد چه کاری می‌خواهد انجام دهد و رشد جسمی او به اندازه‌ای باشد که بتواند هماهنگی‌های حسی و حرکتی را بین ذهن و چشم و دیگر اندام‌های خود برقرار کند و آنچه را می‌خواهد، انجام دهد. برای مثال، بتواند آنچه را در ذهن دارد با مداد رنگی روی کاغذ نقاشی کند و به دیگران ارائه دهد. علاقه و میل درونی فرد برای انجام دادن کار باعث می‌شود که آن فعالیت را عاشقانه، با کنجکاوی و پشتکار انجام دهد و فرایند تولید را تا مرحله آخر دنبال کند و محصول نهایی را ارائه دهد.

معلم می‌تواند انگیزه درونی دانش‌آموز را با تشویق‌های مناسب در فرایند کار، پایان کار و هنگام ارائه محصول، تقویت کند. تفکر خلاق عاملی است که دانش‌آموز را در پیدا کردن راه‌حل‌های جدید برای انجام دادن کارها و ساختن چیزها و ارائه راه‌حل‌های نو یاری می‌دهد. معلم با پذیرفتن تفاوت‌های فردی و درک توانایی‌ها، روش‌ها و علایق یادگیری متفاوت دانش‌آموزان، فرصت تجربه کارهای جدید را به آنها می‌دهد. مثلاً دانش‌آموز برای ساختن یک شئی با گل سفالگری، پس از لمس کردن گل و بازی با آن، قابلیت‌های آن را می‌شناسد و در می‌یابد که چگونه درس هنر با تنوع بسیار و امکان انتخاب آزاد، فرصت تجربه موفقیت و پیشرفت را برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد از این رو، این درس در بین سایر درس‌ها بیشترین زمینه را برای پرورش خلاقیت دارد. در این کلاس، معلم می‌تواند طراحی آموزشی خود را به گونه‌ای اجرا کند که سه عامل تفکر و توانایی و انگیزه‌های درونی به‌طور هم‌زمان در دانش‌آموزان ایجاد و به گونه‌ای تقویت شوند که محل تلاقی آنها یعنی «خلاقیت هنری» به صورت شایسته‌ای شکل می‌گیرد.

با توجه به مطالعات جدید، برنامه درسی در سه بعد تجویزی، نیمه تجویزی و غیر تجویزی تقسیم می‌شود. به

خلاقیت تأکید می‌کند. آپیک ارسلان^۳ (۲۰۱۰) بیان می‌کند که آموزش هنر در صدد این است که ذهن کودکان را خلاق کند.

تربیت هنری در ابعاد مختلفی نظیر بروز خلاقیت، رشد عاطفی و اخلاقی، ایجاد مهارت‌های حرکتی و دست-ورزی مواد و وسایل، پرورش قابلیت‌های گروهی و ارتباطی دانش آموزان می‌باشد که مهر محمدی و محمد امینی (۱۳۸۰) به این موضوع پرداخته‌اند. به نظر معلمان تقویت مهارت‌های حرکتی ظریف در برنامه‌های آموزشی فرصت ابراز وجود برای کودکان ندارد و توجه درباره چگونگی تقویت ابراز وجود از طریق آموزش‌های هنری به کودکان ضروری است. این مطلب همان چیزی است که کاسر^۴ (۲۰۱۲) به آن اشاره داشته است.

این معنی که در دوره ابتدایی طبق الگوی مطلوب آموزش هنر نباید همه چیز تجویز شده الزامی باشد، ما می‌توانیم موضوعات کلی را در نظر بگیریم و بعد این ابعاد در دوره‌های آموزشی به صورت تجویزی، نیمه تجویزی و غیر تجویزی تقسیم شوند. به این شکل که موضوعات آموزش هنر معرفی شوند و سپس معلم و دانش آموزان از بین آنها انتخاب کنند و یا کلاً موضوعات هنری به معلم و دانش آموز واگذار شود. برای آموزش هنر نمی‌توانیم چهارچوب داشته باشیم چون هنر بدون مرز است به همین دلیل خیلی نمی‌توانیم برای آن چهارچوب و فرض‌های مشخص داشته باشیم و نگاه ما نمی‌تواند در همه سطوح تجویزی باشد. نکته دیگری که مهم است بحث زمان در الگوی مطلوب است. در سه پایه اول، دوم و سوم ابتدایی سه ساعت به آموزش هنر و در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم ابتدایی سه ساعت برای درس هنر اختصاص یافته است. در واقع بر اساس همان بعد تجویزی و غیر تجویزی و نیمه تجویزی مسأله زمان از مسائل مهم است، هر چقدر زمان بیشتری را در دوره ابتدایی به آموزش هنر اختصاص دهیم پیامدهای آن در آینده برای ما بیشتر خواهد بود و اگر زمان کافی برای تدریس هنر به معلم‌ها داده شود آنها می‌توانند آن چالش‌ها و نگرانی‌هایی که نسبت به درس هنر دارند کمتر کنند و فرصت کافی برای آموزش را داشته باشند.

نتایج نشان داد معلم می‌تواند انگیزه درونی دانش آموز را با تشویق‌های مناسب در فرایند کار، پایان کار و هنگام ارائه محصول، تقویت کند. تفکر خلاق عاملی است که دانش آموز را در پیدا کردن راه حل‌های جدید برای انجام دادن کارها و ساختن چیزها و ارائه راه حل‌های نو یاری می‌دهد. معلم با پذیرفتن تفاوت‌های فردی و درک توانایی‌ها، روش‌ها و علایق یادگیری متفاوت دانش آموزان، فرصت تجربه کارهای جدید را به آنها می‌دهد. معلم می‌تواند طراحی آموزشی خود را به گونه‌ای اجرا کند که سه عامل تفکر و توانایی و انگیزه‌های درونی به طور هم زمان در دانش آموزان ایجاد و به گونه‌ای تقویت شوند که محل تلاقی آنها یعنی «خلاقیت هنری» به صورت شایسته‌ای شکل می‌گیرد. اوورتون^۱ و چازی^۲ (۲۰۱۳) به این موضوع اشاره دارند که تفکر آموزشی امروزه در لندن، روی

³ Asuman Aypek Arslan

⁴ Kocer

¹ David T. Overton

² Maria Chatzichristodoulou

منابع:

- فیروزی، محمد؛ سیفی، محمد، حسینی مهر، علی و فقیهی، علیرضا (۱۳۹۷). عنوان جایگاه محورهای تربیت هنری، ساختار محتوایی و الگوی سه وجهی برنامه درسی در کتاب‌های درسی فرهنگ و هنر دور اول متوسطه، دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، سال ششم، شماره ۱۱، ۶۶-۳۱
- قاسم پور مقدم، حسین (۱۳۸۱). جایگاه مطلوب کاردستی در برنامه درسی دوره ابتدایی. مجله رشد آموزش هنر. شماره ۲
- کیان، مرجان و مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۲). شناسایی وجوه و ابعاد مغفول برنامه درسی هنر دوره ابتدایی. دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد سال بیستم- دوره جدید شماره ۳
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر و گال، جویس (۱۹۸۵). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، مترجمان نصر و همکاران (۱۳۸۶). جلد دوم، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- طباطبایی، مینو، عباسی، پروین و مرتیبه، اعظم (۱۳۹۵). بررسی موانع اجرایی درس هنر از دیدگاه معلمان ابتدایی، مطالعات پیش دبستان و دبستان، ۳(۱)، ۲۷-۵۳
- مهرمحمدی، محمود و کیان، مرجان (۱۳۹۳). برنامه درسی و آموزش هنر در آموزش و پرورش. تهران: سمت.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش (مراحل و رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی). جلد ۲. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- مهر محمدی، محمود و امینی، محمد (۱۳۸۰). طراحی الگوی مطلوب تربیت هنری در دوره ابتدایی. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، شماره ۳۹.
- آیت‌اللهی، مینو و همکاران (۱۳۹۱). راهنمای درس هنر برای معلمان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم ابتدایی. وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب‌های درسی دوره عمومی و نظری.
- اسود، سیاوش و اسلامی، ادریس (۱۳۹۹). برنامه درسی آموزش هنر دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان شهرستان مهاباد، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۱۷، شماره ۱، شماره پیاپی ۵۹، ۲۱۸-۱۸۳
- دانایی‌فر، حسن و کاظمی (۱۳۸۹). پژوهش‌های تفسیری در سازمان، استراتژی‌های پدیدارشناسی و پدیدارنگاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ذوالفقاریان، ملیحه و کیان، مرجان (۱۳۹۳). واکاوی تجارب معلمان زن در تدریس هنر در مدارس ابتدایی. دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی سال دوم، شماره ۴، ۱۶۷-۱۴۲
- سند برنامه درسی ملی (۱۳۹۰). مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، سایت وزارت آموزش و پرورش، آذر ۱۳۹۲.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، سایت وزارت آموزش و پرورش، آذر ۱۳۹۲.
- سورتیجی اوکرکایی، علی اصغر و رستگارپور، حسن (۱۳۹۰). رابطه آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری و خلاقیت دانش آموزان پایه پنجم دبستان‌های ایران در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷.
- شرفی، حسن و سلسبیلی، نادر (۱۳۸۹). اثرگذاری فرصت‌های یادگیری، در تعامل نظریه و عمل. فصلنامه پژوهش فرهنگی، شماره ۴۳
- شرفی، حسن، (۱۳۸۸). تحلیل و نقدی بر برنامه‌های درسی هنر دوره ابتدایی در گذشته و وضع موجود. پژوهشکده تعلیم و تربیت، وزارت آموزش و پرورش.
- فتحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۸۸). اصول و مفاهیم برنامه ریزی درسی. تهران: انتشارات بال
- فلاحی، ویدا، صفری، یحیی و یوسف فرحنگ، ماندانا (۱۳۹۰). تأثیر آموزش با رویکرد تربیت هنری بر فعالیت‌های هنری و مهارت‌های فرایندی دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. سال دهم شماره ۳

Arslan, A. (2013). A study in to the effects of art education on children at the socialization process. *Gazi University, Faculty of Vocational Education, Department of Applied Arts, Emniyet Mah. Muammer Yaşar Bostan Cd.* Procedia - Social and Behavioral Sciences, No:15

Broome, J. Pereira, A & Anderson, T. (2017), Critical Thinking: Art Criticism as a Tool for Analysing and Evaluating Art, Instructional Practice and Social Justice Issues. *International Journal of Art & Design Education*. © 2017 The Authors. iJADE © 2017 NSEAD/John Wiley & Sons Ltd

Dunkin, R. (2000). Using phenomenography to study organizational change. In, J. A. Bawden & E. Walsh, (eds). *Phenomenography*, (PP. 137-152) Melbourne: RIMIT University Press

Eisner, E. W. (2002). *The Lessons the Arts Teach, Available at Learning and Arts: Crossing Boundaries Proceedings from an Invitational Meeting for Education*. Arts and Youth Funders Held January, Los Angeles.

Irwin, M.R. (2016), Arts Shoved Aside: Changing Art Practices in Schools since the Introduction of National Standards. *International Journal of Art & Design Education*. © 2016 The Author. iJADE © 2016 NSEAD/John Wiley & Sons Ltd

Iwai, k. (2003). The contribution of Art Education to Childrens Lives. *International Journal of Education & the Art*, Volume 8 Number 5

Kocer, H.(2012). *The evaluation of the art activities applied in preschool education programs in terms of self-expression opportunity given to child*. Akdeniz University, Faculty of Education, Department of Primary Education, Division of Preschool Education Antalya Turkey.

Overton, D. T., & Chatzichristodoulou, M. (2010). The teaching of science through the performing arts. *Procedia Social and*

Behavioral Sciences 2, 3871–3875

Penelope M., Andreas F., & Lars-Owe D. (2013). A phenomenographic study of students' conceptions of quality in learning in higher education in Rwanda. *Studies in Continuing Education*. Available online at: <http://dx.doi.org/10.1080/0158037X.2013.768229>

Wong, M. (2013), *Developing Integrated Arts Curriculum in Hong Kong: Chaos Theory at Work? Curriculum Inquiry*. © 2013 by The Ontario Institute for Studies in Education of the University of Toronto.

